



مقارنه و تطبیق مهریه و نفقه زن در نظام حقوقی اسلام و غرب

دانشجوی دانشجوی دکتری، گروه فقه و حقوق، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران
استادیار گروه فقه و حقوق، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران
استادیار گروه فقه و حقوق، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران

ندا مقبلی نسب*
محمدعلی صفا*
روح‌الله افضلی

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۳ | پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷ | ایمیل نویسنده مسئول: dr.mohammad.cafa@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۵ پیاپی ۶۳۰-۶۱۴
زمستان ۱۴۰۱

(مجموعه مقالات حوزه زنان)

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:
(مقبلی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

مقبلی‌نسب، ندا، صفا، محمدعلی، و افضلی، روح‌الله. (۱۴۰۱). مقارنه و تطبیق مهریه و نفقه زن در نظام حقوقی اسلام و غرب. *خانواده درمانی کاربردی*. ۳(۵)، ۶۳۰-۶۱۴.

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر مقارنه و تطبیق مهریه و نفقه زن در نظام حقوقی اسلام و غرب بود. **روش پژوهش:** این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفت. در این راه از متون تالیفی در قالب کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی و انگلیسی و همچنین روزنامه‌ها استفاده شد. همچنین از سایت‌های معتبر جستجوگر اینترنتی از قبیل گوگل، یاهو در تدوین این پژوهش استفاده شد. **یافته‌ها:** در این پژوهش حقوق مالی زن و شوهر نسبت به یکدیگر، استقلال مالی زوجین و قوانین مربوط به مهریه و نفقه در اسلام و غرب مورد بررسی قرار گرفت. **نتیجه‌گیری:** نظام حقوقی اسلام بنابر فقه مذاهب پنج گانه آن، امتیازهای مالی ویژه‌ای را برای زوجه در نظر گرفته است که در مقایسه با نظام‌های حقوقی غربی تقریباً منحصر به فرد می‌باشد. از جمله این امتیازها «مهریه» می‌باشد. مهریه، هدیه و عطیه واجب است که به زوجه تعلق می‌گیرد و اگرچه ذکر و تعیین آن در صحت عقد شرط نمی‌باشد. ولی به مجرد عقد، حداقل به مقدار مهرالمثل به عهده زوج قرار می‌گیرد. مهریه در نظام حقوقی خانواده در اسلام، یکی از حقوق مالی زن در جریان ازدواج است. سیستم قضایی انگلستان و ولز یکی از مشهورترین سیستم‌های قضایی در حل و فصل پرونده‌های طلاق و رعایت حقوق برابر برای زن و مرد است، در حدی که لندن را پایتخت طلاق جهان می‌نامند. در دادگاه‌های این کشور، مرد به‌عنوان ستون اصلی خانواده در نظر گرفته می‌شود، اما در هنگام طلاق، دارایی‌های هر دوطرف دعوی، و حتی حقوق بازنشستگی که در آینده دریافت خواهند کرد، بررسی خواهد شد و براساس این بررسی‌ها، اموال مازاد بر نیاز هر طرف شناسایی شده و به‌صورت مساوی میان زن و شوهر تقسیم خواهد شد. این روند در بیشتر کشورهای اروپایی و آمریکایی مشابه است، اگرچه تفاوت‌های ساختاری در قانون و سیستم قضایی هر کشور ممکن است تغییراتی را در نحوه اجرای حکم دادگاه به‌وجود آورد.

کلیدواژه‌ها: مقارنه و تطبیق، مهریه، نفقه زن، نظام حقوقی اسلام، غرب.

مقدمه

مهریه یک نهاد حقوقی است که از اسلام و فقه گرفته شده است (رسولی، ۱۳۸۷) اگر چه مهریه در زمان معاصر مختص مسلمانان است، اما برخی محققان به شواهدی تاریخی از ایران قبل از اسلام، یونان باستان و نیز آیین یهودیت اشاره می‌کنند که نشان‌دهنده سابقه پرداخت مبلغی پول از طرف داماد به عروس (یا پدر عروس) در زمان ازدواج است (علیزاده، ۱۳۹۰). پس از ظهور اسلام نیز وضعیت زن در ردیف سایر امور اجتماعی کاملاً تغییر یافت. قرآن کریم هر رسمی را که موجب تضییع مهر زنان می‌شد منسوخ کرد، از جمله آن که وقتی مردی نسبت به زنش دلسرد می‌شد، او را در مضیقه و شکنجه قرار می‌داد و هدفش این بود که با سختی دادن وی او را به طلاق راضی گرداند و تمام یا قسمتی از آنچه را که به عنوان مهر به او داده از او پس بگیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «زنان را به خاطر این که چیزی از آنها بگیرد و قسمتی از مهری که به آنها داده اید جبران کنید، تحت مضیقه و شکنجه قرار ندهید.» در سخنان گروهی فقیهان، گاه نکاح در زمره عقود معاوضی شمرده شده و در ترتب برخی از احکام آن، به همین جهت نیز استدلال شده است. علامه حلی می‌گوید: «مهر عوض بضع است و زن به سبب عقد مالک آن می‌شود. عوض به کسر عین به چیزی اطلاق می‌شود که جای چیزی دیگر واقع می‌شود.» در حقوق اسلام و ایران اصل استقلال مالی در روابط مالی زوجین حاکم می‌باشد. اما در حقوق غرب، در رژیم اشتراک اموال مرد اداره اموال مشترک زوجین را در اختیار دارد همچنین در رژیم جدایی اموال نیز مطابق فرض قانونی مرد حق تصرف در اموال را دارد مگر اینکه زن به‌طور صریح آن را رد نماید.

از دیگر موارد قابل مقایسه نظام حقوقی ایران با کشور فرانسه به بحث نفقه زن می‌توان اشاره نمود. در حقوق ایران مرد مکلف به پرداخت نفقه می‌باشد و باید هزینه‌های زندگی را تامین نماید اما در کشور غرب این موضوع یک تعهد دو طرفه است که زن نیز مکلف به انجام آن است. در حقوق ایران زن دارای استقلال مالی کامل می‌باشد و می‌تواند نسبت به اموال خود هرگونه تصرفی را انجام بدهد. در ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی نیز به این موضوع اشاره شده است. درآمدی که زن از کار و فعالیت اقتصادی خود به‌دست می‌آورد نیز جزء دارایی وی محسوب می‌شود و زن این اختیار را دارد که این درآمد را در اختیار شوهر قرار ندهد.

در رژیم مالی جدید که بیشتر زوجین فرانسوی براساس آن ازدواج می‌کنند اموال مشترک زن و مرد در صورت عدم وجود شرط خلاف توسط مرد اداره می‌شود. در رژیم مذکور دارایی زن و مرد پس از ازدواج یک دارایی مشترک را تشکیل می‌دهد. دایره شمول این اموال مشترک نسبت به اموال منقول و غیرمنقول قبل و پس از ازدواج باتوجه به وجود انواع رژیم اشتراک اموال که در بیشتر کشورهای اروپایی حاکم است متفاوت خواهد بود اما در اغلب کشورها مرد اداره اموال مشترک را برعهده دارد و یا لاقلاً اینکه اختیارات مرد نسبت به زن بیشتر است. مسائل مربوط به حوزه زنان و حقوق آنان همواره ازجمله مباحثی بوده که در طول سالیان متمادی و در بین جوامع مختلف مورد بحث و بررسی واقع شده و این امر ناشی از اهمیت و ارزش ویژه جایگاه یک زن می‌باشد.

زنان در دهه‌های اخیر همواره همگام با مردان به کار و فعالیت پرداخته و توانسته‌اند به جایگاه و موقعیت اجتماعی مناسبی دست یابند، چه بسیار زنانی که علاوه بر شاغل بودن و همکاری در امور اقتصادی خانواده، محیط خانواده را نیز به نحو احسن مدیریت نمودند.

از اینرو فارق از هرگونه نگاه فمینیستی، آشنایی زنان با حقوق خود از جمله حقوق مالی مکتسب در زمان زوجیت که موضوع مورد بحث در پژوهش حاضر می‌باشد و آگاهی نسبت به آن، همچنین پژوهش گسترده‌تر و ارائه راهکارهای مناسب جهت تبیین این قسم از حقوق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه حقوق ما متأثر از فقه می‌باشد و برخی از احکام حقوقی ما مبانی فقهی دارند، اشاره‌ای هم به اهمیت مسأله زنان از دیدگاه اسلام می‌شود. اسلام اهمیت ویژه‌ای برای زنان و حقوق آنان قائل شده و در هزار و چهارصد سال پیش این قانون را بنا نهاد و مقرر نمود: مردان را از آنچه کسب می‌کنند و بدست می‌آورند بهره‌ای است و زنان را از آنچه کسب می‌کنند و بدست می‌آورند بهره‌ای است. همچنین اسلام برای زن حق مالکیت نسبت به آنچه که بدست آورده چه از طریق کار و فعالیت، چه از طریق ارث و نیز به سبب ازدواج قائل گردیده است و به مرد حق تصرف و تعدی نسبت به حقوق مکتسب زن را نداده است.

از دیگر دلایل پرداختن به این موضوع اهمیتی است که نظام جمهوری اسلامی ایران برای زن و حقوق مادی و معنوی وی قائل شده است و مورد توجه قرار داده است. در اصولی از قانون اساسی از جمله اصل بیست و یکم قانون اساسی این موضوع مورد اشاره و تاکید واقع شده است؛ همچنین در منشور حقوق و مسئولیتهای زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به حقوق و مسئولیتهای اقتصادی زنان اشاره شده است. باتوجه به اهمیت و ضرورت بحث در دین اسلام و قوانین جمهوری اسلامی ایران در این پژوهش حقوق مالی زوجه که از جمله یک موضوعات مهم و بحث انگیز در حوزه حقوق خانواده می‌باشد را مورد بررسی قرار گرفت.

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفت. در این راه از متون تالیفی در قالب کتابها و مقاله‌های فارسی و انگلیسی و همچنین روزنامه‌ها استفاده شد. همچنین از سایت‌های معتبر جستجوگر اینترنتی از قبیل گوگل، یاهو در تدوین این پژوهش استفاده شد.

یافته‌ها

تکالیف مالی زوجه در طول مدت زوجیت

در حقوق امریکا زن و مرد از نظر تکالیف مالی در برابر یکدیگر با هم برابر هستند در واقع همان‌گونه که مردان در برابر زنان تکالیف مالی دارند زنان نیز در برابر مردان دارای تکالیف مالی هستند. در حقوق ایران قانون‌گذار در قانون مدنی بیشتر تکالیف مالی را متوجه مردان ساخته و مصداقی برای تکالیف مالی زنان ذکر نکرده است اما در این‌جا به یکی از مهم‌ترین منابع حقوقی که عرف است توجه نشده در حالی که عرف تکالیف مالی زیادی را برای زنان مقرر کرده است اما قانونگذار از ذکر آن‌ها غفلت کرده و این عدم تصریح قانون‌گذار سبب شده که مورد بی‌توجهی قرار گیرند. در زیر به ذکر مصادیقی از این تکالیف مالی در دو سیستم حقوقی خواهیم پرداخت.

تکلیف به انفاق

مفهوم نفقه نیز مانند جنبه‌های بسیار دیگر قانون خانواده امریکا از انگلستان نشای می‌شود از نظر تئوری نفقه می‌تواند توسط یک زن به همسرش پرداخت شود. هر چند که انجام این عمل هنوز نسبتاً نادر است و

شوهر به ندرت گیرنده نفقه می‌شود (ریسو و هادسون، ۱۳۹۱). در واقع با تغییر نگرش نسبتن به نقش زنان و مردان در ازدواج و همچنین تعریف ازدواج، مفهوم نفقه نیز تغییر کرده است. تا پیش از تصویب قانون املاک زنان متأهل در اواسط قرن ۱۹ در ایالات متحده، دارایی یک زن هنگام ازدواج به شوهرش منتقل می‌شد و در مقابل شوهر وظیفه داشت در دوران ازدواج و پس از طلاق از همسرش حمایت کند. پرداخت نفقه بر اساس توانایی شوهر در پرداخت و نیازهای زن صورت می‌گرفت اما امروزه نفقه ممکن است به یک زن تعلق بگیرد یا به یک مرد داده شود، و نفقه به‌عنوان استحقاق همسر تلقی می‌شود نه امتیازی که ممکن است از نظر قضایی برای یکی از طرفین شناخته شود (یوسف زاده، ۱۳۸۸).

به‌طور سنتی نفقه برای تأمین مایحتاج زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد از جمله: غذا، لباس، مسکن و علاوه بر آن هزینه‌های دیگر مانند هزینه پزشکی و هزینه‌های دارویی را در برمی‌گیرد. برای تعلق نفقه معیارهایی را در نظر گرفته‌اند از جمله: مدت ازدواج، سن، شرایط جسمی و سلامت عاطفی طرفین، سطح تحصیلات طرفین در زمان ازدواج، منابع مالی طرف متقاضی نفقه از جمله تقسیم اموال و توانایی او در تأمین نیازهایش، خدمات خانه‌دار، درآمد طرف متقاضی نفقه (دیانی، ۱۳۸۷).

دادگاه در صورتی که متوجه شود همسر خواهان حمایت است حکم به پرداخت نفقه را با توجه به شرایط زیر صادر خواهد کرد. ۱- شخص، فاقد دارایی کافی برای تأمین نیازهای معقول خود باشد. ۲- توانایی تأمین هزینه‌های زندگی خود را از طریق بدست آوردن شغل مناسب ندارد. ۳- یا سرپرستی کودکی را دارد که نمی‌تواند بیرون از خانه کار کند (یار ارشدی، ۱۳۷۹).

به این نکته باید توجه کرد که اساساً دو نوع نفقه وجود دارد یک نفقه که با اعلام حکم نهایی طلاق صورت می‌گیرد نفقه دائم است یک مورد دیگر نفقه موقت. یا نفقه در اثنای مرافعه است که در آن حکم طلاق معلق است اما نفقه‌ای که بیشتر مورد توجه است نفقه‌ای است که معمولاً بعد از طلاق پرداخت می‌شود. که به صورت دوره‌ای و یا یکجا تعیین می‌شود تا زمانی که شخص دریافت‌کننده مجدد ازدواج کند یا فوت کند که در این صورت پرداخت متوقف می‌شود.

برای پرداخت نفقه به میزان قابل توجهی در هر ایالت قضات تفسیرهای متعددی را ارائه کرده‌اند (مصدق صدقی، ۱۳۸۳). گفته شده که نفقه یک نوع پیوند اقتصادی بین همسران مطلقه ایجاد می‌کند مخصوصاً در مورد نفقه به صورت پرداخت‌های دوره‌ای، به این صورت که اگر یکی از زوجین وظیفه پرداخت نفقه را به دیگری دارد مجبور می‌شود با همسر سابق خود در ارتباط باشد.

براساس دیدگاهی که تاریخ نفقه را در کشورهای مشترک‌المنافع ماساچوست ردیابی می‌کند روت آبرامز اظهارنظر متعارف را مبنی بر این که نفقه مبتنی بر رسیدن به تعادل عادلانه بین نیازهای همسر وابسته و توانایی همسر حامی در پرداخت است بیان کرد و او معتقد است در صورتی که شرایط اقتصادی همسر گیرنده تغییر کرد حکم طلاق که شامل این توافق‌نامه است به قاضی این اختیار را می‌دهد که مقررات مالی توافق‌نامه را اصلاح کند.

پرداخت‌های دوره‌ای معمولاً نفقه نامیده می‌شود در هر دادخواست طلاق، بطلان یا جدایی قضایی. دادگاه می‌تواند حکم کند که هر یک از طرفین مبلغی را به صورت دوره‌ای به طرف دیگر بدهد. و در صورتی که در حکم هیچ اشاره‌ای به آن نشده باشد یا مبلغ تعیین شده متناسب نباشد طرف مقابل می‌تواند به آن

اعتراض کند چون پرداخت‌های دوره‌ای به عنوان نفقه گیرنده وجه در نظر گرفته می‌شود و با مرگ او این پرداخت‌ها پایان می‌پذیرد.

در نتیجه دستور پرداخت آن نمی‌تواند بیشتر از زندگی مشترک طرفین باشد، پرداخت‌های دوره‌ای ناامم معمولاً از درآمد پرداخت‌کننده حاصل می‌شد که در نتیجه با مرگ او هم این پرداخت‌ها ادامه پیدا نمی‌کرد. اما این وجود ممکن است بعد از مرگ پرداخت‌کننده پرداخت‌های تضمینی همچنان ادامه داشته باشد.

زیرا قبلاً سرمایه‌ای برای چنین پرداخت‌هایی در نظر گرفته شده است اما در صورت طلاق یا بطلان چه این که تضمینی برای پرداخت دریافت شده باشد یا نه در صورت ازدواج مجدد گیرنده نفقه صرف نظر از انحلال یا فسخ نکاح بعدی او پرداخت‌ها به طور خودکار خاتمه می‌یابد.

در پرداخت‌های یکجا دادگاه می‌تواند یکی از طرفین را محکوم کند که مبلغی را به صورت یکجا و کامل یا به صورت اقساطی به طرف دیگر بدهد. کمیسیون حقوقی امیدوار است به دنبال تصویب قانون دادرسی میراث و قانون املاک ۱۹۷۰ از آن استفاده گسترده‌تری شود و می‌توان مبالغ یکجا را به نفع همسران صادر کرد هر چند که در ابتدا از آن بسیار کم استفاده می‌شد. بر اساس قانون علل زناشویی ۱۹۷۳ گفته بود که حکم به پرداخت مبلغ یکجا داده می‌شود تا گیرنده آن بدهی‌ها را که بر او متحمل شده است و هزینه‌هایی را که برای نفقه خود خرج کرده جبران کند به این صورت که دادگاه می‌تواند حکم به جبران خسارت یک طرف بدهد در صورتی که اگر یکی از همسران قبلاً و قبل از شروع دادرسی در پرداخت به موقع نفقه همسر دیگر کوتاهی کرده باشد یا این که در این زمینه هیچ حکمی متناسب با نفقه وجود نداشته باشد دادگاه حکم به جبران خسارت یکی از همسران می‌کند.

مهم‌ترین محل پرداخت این مبالغ یکجا از سرمایه‌ی است که طرفین دارند، مثلاً اگر شوهر صاحب سهم باشد دادگاه می‌تواند حکم کند که سود بخشی از این سهام را به زن بدهد (یا مثلاً زمانی که تنها دارایی آن‌ها خانه همسری است و به فروش می‌رسد و دادگاه حکم به پرداخت مبلغ یکجا می‌دهد که به طرف مقابل سود می‌رساند) یکی از مزایای پرداخت مبالغ یکجا این است که در صورتی که مبلغ به صورت یکجا و نهایی پرداخت شود مشکلی در اجرای قانون وجود ندارد و زن و مرد به طور کامل ارتباطشان با هم قطع می‌شود. و در این مورد دادگاه می‌تواند حکم به پرداخت اقساطی این مبالغ را بدهد. پرداخت به صورت یکجا با پرداخت‌های دوره‌ای متفاوت است زیرا در مورد مبالغ یکجا کل مبلغ ثابت و غیرقابل تغییر است و حتی اگر یکی از طرفین قبل از پرداخت کل مبلغ فوت کند یا این که ازدواج کند مبلغ مانده قابل پرداخت است (مقصودی، ۱۳۹۱).

در حقوق ایران تکلیف به انفاق فقط متوجه مرد می‌شود و زن در این زمینه هیچ تعهدی در مقابل شوهر ندارد. شوهر حتی در صورتی که محتاج و نیازمند نیز باشد باز مکلف به پرداخت نفقه به زوجه است و زوجه حتی در صورت توان مالی هیچ‌گونه مسئولیتی در تأمین هزینه‌های زندگی همسرش ندارد (یارارشدی، ۱۳۵۳).

در کشورهایی مانند آمریکا، کانادا و بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر هم مهریه وجود دارد. البته قوانین مهریه در اروپا و کشورهای اروپایی به شکل قوانین این حق در اسلام نیست از جمله تفاوت‌های قوانین مهریه در اروپا با ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مهریه در کشورهای اروپایی با این عنوان شناخته نمی‌شود و یکی از شروط ازدواج است
- مهریه یا شرط ازدواج در کشورهای اروپایی برای همه شهروندان یکسان است
- قوانین مربوط به مهریه برای همه افرادی که تابع کشورهای اروپایی دارای مهریه هستند لازم الاجرا است
- راهی برای فرار از قانون مهریه در کشورهای اروپایی وجود ندارد و در همه ازدواج‌های رسمی که به طلاق ختم می‌شوند اجرایی می‌شود.

آیین مهریه در اسلام

قرآن این عطیه و پیشکشی را لازم می‌داند، قرآن رموز فطرت بشر را با کمال دقت رعایت کرده است و برای اینکه هر یک از زن و مرد نقش مخصوصی که در طبیعت از لحاظ علائق دوستانه به عهده آنها گذاشته شده، فراموش نکنند لزوم مهر را تأکید کرده است. نقش زن این است که پاسخگوی محبت مرد باشد، محبت زن خوب است به صورت عکس العمل محبت مرد باشد نه به صورت ابتدائی. عشق ابتدائی زن، یعنی عشقی که از ناحیه زن شروع بشود و زن بدون آنکه مرد قبلاً او را خواسته باشد عاشق مردی بشود، همواره مواجه با شکست عشق و شکست شخصیت خود زن است، بر خلاف عشقی که به صورت پاسخ به عشق دیگری در زن پیدا می‌شود، این چنین عشق نه خودش شکست می‌خورد و نه به شخصیت زن لطمه و شکست وارد می‌آورد.

برخلاف آنچه به نظر می‌رسد، مهریه فقط از رسومات کشورهای اسلامی نیست، بلکه در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی یا بهتر بگوییم در کشورهای غیراسلامی نیز رسومات مشابهی نظیر مهریه وجود دارد.

مهریه در اروپا

در برخی از کشورها مهریه به عنوان یک سنت دینی یا قومی پذیرفته شده است و در برخی از کشورها همچون کشورهای اروپایی و آمریکایی رسمیت قانونی دارد و به عنوان یک قانون واحد و مصوب برای همه شهروندان و ساکنان این کشور لازم الاجرا است. در کشورهای اروپایی و آمریکایی رسم بر این است که پس از ازدواج زن به نسبت مساوی در همه اموال مرد شریک خواهد شد و براساس این قانون همه زنان براساس توانایی مالی همسرشان صاحب نیمی از اموال و املاک و دارایی‌های او خواهند شد و هیچ راه گریزی برای فرار از این قانون وجود ندارد مگر این که مرد هیچ دارایی‌ای نداشته باشد. البته براساس این قانون پس از ازدواج فرد ملزم خواهد بود که در همه دارایی‌ها و اموالی که پس از ازدواج به دست می‌آورد نیز همسرش را به نسبت برابر سهیم سازد. در حقیقت این قانون برگرفته از رسم دیرینه‌ای است که در گذشته‌های دور در ادیان مختلف از جمله مسیحیت متداول و مرسوم بوده است. در برخی از کشورها نیز براساس ادیان و سنن مختلفی که در این کشورها وجود دارد، قوانین رسمی در نظر گرفته شده برای تعیین مهریه متفاوت است مثلاً در سریلانکا برای مسلمانان ساکن این کشور قانون رسمی ازدواج براساس

قوانین اسلامی و برای بوداییان براساس قوانین حاکم بر آیین بودایی تعیین می‌شود. در برخی از کشورها از جمله یونان و ایتالیا نیز علاوه بر این که براساس قانون حاکم بر جوامع اروپایی یا غیرمسلمان، زنان پس از ازدواج در اموال همسرشان شریک می‌شوند، هدیه ساده‌ای به عنوان پیشکش یا به عبارتی همان مهریه برای جلب رضایت زن از سوی مرد و هنگام ازدواج به او داده خواهد شد. در حقیقت در کشورهای آمریکایی و اروپایی آنچه به عنوان یک قانون مصوب شده است راهکاری برای حمایت از زنان پس از ازدواج است. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که تنها در کشور ما ردپایی از مهریه‌های عجیب و غریب به چشم می‌خورد و در دیگر کشورهای اسلامی مهریه تنها هدیه‌ای نمادین است که در راستای حفظ هدف اصلی خود که همان نشان دادن صداقت و راستگویی مرد نسبت به همسرش است، قرار می‌گیرد و بندرت دیده می‌شود که در این کشورها مهریه از هدف اصلی خود منحرف شده باشد.

نفقه در اسلام

طبق احکام اسلامی مرد با نکاح دائم زن، مکلف به تامین نفقه وی می‌گردد. سرپرستی مالی خانواده توسط مرد ضامن امنیت خانواده بوده و موجب می‌شود، زن با آرامش خاطر به تربیت فرزندان و تامین آرامش فضای داخلی منزل بپردازد. وجوب تامین نفقه زوجه توسط شوهر وی را در مقابل فراز و نشیبها و دغدغه‌های شغلی محافظت نموده و به زن فرصت مناسب داده تا در فضایی آرام به امور منزل و فرزندان بپردازد. با تامین نیازهای مالی زن توسط شوهر حتی هدف از اشتغال وی نیز صورت و ترتیب دیگری پیدا می‌کند و زن با فراغ بال بیشتری می‌تواند به فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی بپردازد.

نفقه جمع آن نفقات یا انفاق است با وجود اینکه واژه عربی بوده اما بدون تغییر در فرهنگ حقوقی ایران به کار رفته است و از نظر لغوی به معنای هزینه‌ی زندگی، عیال و اولاد است و آنچه که انفاق کنند (عمید، ۱۳۸۲) برخی نفقه در فقه را تامین مخارج ضروری همسر و اقارب، اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و غیره می‌دانند (شریف، ۱۳۷۶) اما برخی دیگر ملاک نفقه را عرف و عادت قرار داده‌اند در ماده ۱۱۰۷ ق.م. مصادیق نفقه به مسکن، البسه، غذا، اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت داشتن زن به خادم یا نیاز زن محدود شده است؛ اما برخی از حقوقدانان معتقدند آنچه در ماده ۱۱۰۷ آمده، حصری نبوده و تعریف نفقه بر هر چه حسب متعارف مورد نیاز زن باشد، دلالت دارد؛ در هر حال این عرف است که می‌تواند معیار داوری در تشخیص مصادیق نفقه قرار گیرد (گرچی و قبادی، ۱۳۸۴). پرداخت نفقه به زن اگرچه در تاریخ ادیان دیگر نیز سابقه دارد، اما اسلام حقوق مالی زن را گسترش داده است. مثلاً وجوب پرداخت نفقه از طرف زوج به زوجه آن هم با توجه به شئونات زن از ابتکارات اسلام است.

روابط و اشتراک مالی زوجین در فقه

در مورد استقلال مالی زن از شوهر در حقوق ایران جای هیچ ابهامی نیست. اما این سوال می‌تواند، مطرح شود که آیا توافق زوجین امکان اشتراک مالی آن‌ها را فراهم می‌آورد؟ چنان‌که «شرط انتقال یا نصف دارائی» مصوبه شورای عالی قضایی مندرج در قباله نکاح، چنین شائبه‌ای را به ذهن می‌رساند و برخی از حقوقدانان آن را با عنوان «شرط اشتراک در دارائی» مطرح نمودند (کاتوزیان، ۱۳۷۸).

حتی اگر به دلایل اشکالاتی که در این شرط مطرح است آن را نپذیرفته؛ یا مدعی شده که قواعد حاکم بر روابط زوجین از قوانین امری است و تفسیر آن با توافق طرفین در نکاح دائم ممکن نیست، می‌توان این سوال را در نکاح منقطع مطرح نمود. زیرا در نکاح منقطع طرفین است که در روابط مالی زوجین، به غیر از مهر اعم از ارث، نفقه و... نقش ایفا می‌کند.

در حقوق ایران به منظور استحکام نظام جامعه و حتی محیط پیرامون آن خصوصاً نهاد مقدس خانواده، حقوق و وظایفی متوجه افراد شده است. از جمله این حقوق، حقوق مالی است که افراد جامعه خصوصاً اعضای یک خانواده نسبت به یکدیگر دارند و افراد تحت شرایطی مکلف به پرداخت آن هستند و صراحت آیات و روایات به این مطلب دلالت می‌کند. نفقه زوجه یک تکلیف مالی است که همه فقهای اسلامی و حقوقدانان ایران در اص نفقه اتفاق نظر دارند و یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین امتیازات زوجه بوده و در قبال انجا وظایف شرعی و قانونی زوجه بعد از نکاح است که زوجه متعهد به پرداخت آن می‌شود و البته عد پرداخت آن نی یکی از عوام مؤثر در فروپاشی کانون خانواده محسوب می‌گردد.

در حقوق ایران تکلیف پرداخت نفقه یک تکلیف یک جانبه محسوب می‌شود و تنها زوجه مکلف به پرداخت نفقه به زوجه می‌باشد، در حالی که در حقوق فرانسه وضعیت نفقه به گونه دیگری می‌باشد و یک تکلیف دوجانبه است. طب موازین حقوقی ایران، چنانچه زوجه از پرداخت نفقه زوجه استنکا ورزد، حاکم وی را مجبور به پرداخت نفقه می‌کند و یا از اموال وی نفقه زوجه و فرزندان را تممین مینماید و عد پرداخت نفقه تحت شرایطی می‌تواند باعث ایجاد طلاق برای زوجه شود. در حقوق ایران زوجه ابتدا مل به پرداخت نفقه زوجه بوده و پا از آن در صورت وجود مازاد، موظف به پرداخت نفقه اقارب می‌باشد و نفقه زوجه عقد بر نفقه اقاله است.

به نظر می‌رسد در میزان و مقدار نفقه باید موقعیت و وضع مالی شوهر مورد نظر باشد، زیرا زوجین پس از نکاح یک خانواده را تشکی می‌دهند و جدای از هم نیستند. بنابراین اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدوا کند طلاق به معنی رها شدن و فسخ کردن عقد نکاح بوده و پدیده‌ای قراردادی است که به زن و مرد امکان می‌دهد تحت شرایطی پیوند زناشویی خود را گسیخته و از یکدیگر جدا شوند.

مرد حق ندارد وضع گذشته او را مبنای تعیین نفقه قرار دهد. همچنان که اگر زوجه ثروتمند با شخصی که وض مالی ساده‌ای دارد ازدوا کند نمی‌تواند از او انتظار فراهم آوردن زندگی اشرافی داشته باشد. اگر زوجه بدون مان مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق دریافت نفقه از همسرش نیست و با توجه به تغییرات سری و پیدایش نیازهای جدید، بهترین ملاک و معیار در می‌ان و نوع و مقدار نفقه تاب عر زمان و مکان است.

همچنین نشوز نیمان استقرار نفقه زوجه خواهد بود و اگر زوجه تمکین از شوهر نداشته باشد مستحق نفقه نیست. در حقوق فرانسه هرگاه متعهدله نفقه از تعهدات خودش در برابر متعهد انفاق شانه خالی کند قاضی می‌تواند متعهد انفاق را از تما یا قسمتی از تعهداتش میرا سازد. در این کشور نفقه بر اساس نیاز متعهدله و امکانات متعهد پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر نفقه با ثروت متعهد انفاق، متناسب خواهد بود. بنابراین اگر شرایط جدیدی موجب تغییر موقعیت اقتصادی متعهد و متعهدله نفقه شود، قانون‌گذار امکان بازبینی در مستمری نفقه را اجازه می‌دهد و قاضی صالح برای تعیین مستمری بازبینی شده، قاضی دادگاه خانواده است. اگرچه در قوانین ایران نسبت به پرداخت نفقه تمکید فراوان شده تا زوجه مل به پرداخت حقوق شرعی

و قانونی خود باشد، اما در صورت عدم تمکین مطاب با ماده ۰۰۱۲ قانون مدنی اجازه داده شده از پرداخت نفقه خودداری کنند. با این حال موارد زیادی وجود دارد که با توجه به آن‌ها در حالی که زوجه از همسرش تمکین نمی‌کند مستحق نفقه است که از آنها می‌توان به عشرهای موجه زن و حبا اشاره کرد. رها ساختن زوجه بدون نفقه در زمان پا از طلاق یا فوت شوهر با توجه به وضعیت فرهنگی امروزه، مشکلات زیادی ایجاد می‌کند که نیازمند پیشگیری بوده و در زمینه مسائ مربوط به خانواده و روابط زوجین اصولاً باید حکومت اخلاق را پذیرفت.

طلاق به معنی پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است. طلاق معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که استحکام رابطه زناشویی از بین می‌رود و میان زن و شوهر ناسازگاری و تنش وجود دارد. بنابراین طلاق مهم‌ترین عامل از هم گسیختگی ساختار خانواده، یعنی بنیادی‌ترین بخش جامعه است و به همین علت است که متفکران و جامعه‌شناسان بالا رفتن آن را نشانه بارز اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع هنجارهای اجتماعی می‌دانند.

چرا مخارج زندگی فردی را، دیگری باید تأمین نماید؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش به منابع و ادله مشروع بودن پرداخت نفقه زوجه دائمی، به وسیله همسرش مراجعه می‌کنیم، البته می‌دانیم که در مذاهب اسلامی، زوج مکلف به پرداخت نفقه زوجه می‌باشد. مع‌ذک، تلاش می‌شود مبنای فقهی این الزام را بهتر بشناسیم و سپس به قانون مدنی کشورمان که به پیروی از فقه امامیه این الزام را در مقررات خود آورده است، بپردازیم. در این راستا ابتدا به نخستین و مهم‌ترین منبع فقه اسلامی، یعنی قرآن مجید اشاره خواهیم کرد و سپس احادیثی از معصومین (ع) را برای نمونه، یادآوری می‌کنیم؛ برخی از آیات قرآن کریم که در ادامه به آنها اشاره می‌شود را می‌توان، به نحوی منبع نفقه همسر دائمی تلقی نمود. البته توجه داریم که جستجو در قرآن کریم و یافتن کلمه «نفقه» یا واژه‌های هم‌خانواده آن، در این کتاب آسمانی، هدف ما نیست. زیرا، منظور از نفقه، گاهی انفاق و بخشش است و گاهی آنچه هزینه زندگی عیال (زن) می‌شود و در اینجا مراد، معنای دوم خواهد بود و با این توضیح، به بعضی از آیات قرآن مجید که به نحوی با بحث ما مربوط می‌شود و به طور صریح یا ضمنی دلالت بر وجوب نفقه زن دارد، اشاره خواهیم کرد:

(۱) آیه ۲۳۳ سوره بقره، در آنجا که می‌فرماید مادران می‌بایست دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، می‌فرماید:... و علی‌المولود له رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف... و به عهده صاحب فرزند (پدر) است که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد؛

(۲) در آیه ۲۴۰ همین سوره، خداوند توصیه می‌کند، کسانی را که فوت می‌کنند و همسران آنها باقی می‌مانند وصیت کنند که همسر آنان را تا یک سال نفقه دهند و از خانه شوهر بیرون نکنند... (والذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً وصیه لازواجهم متاعاً الی‌الحول غیر اخراج

(۳) در آیه ۳۴ سوره نساء، آمده است: الرجال قوامون علی‌النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم...، یعنی، مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آن که مردان از مال خود باید به زن نفقه دهند.

۴) در آیه ۷ سوره طلاق، خداوند به پرداخت نفقه زنان شیرده اشاره نموده و می‌فرماید: لینفق ذوسعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مِمَّا آتته الله... یعنی، تا مرد دارا، به وسعت و فراوانی، نفقه زنی شیرده دهد و آنکه نادار و تنگ معیشت است هم آنچه خدا به او داده انفاق کند. علاوه بر آیه‌های یادشده، آیاتی چون ۲۱۵، ۲۴۱ و ۲۷۰ سوره مبارکه بقره، ۲۲ نور و ۵۴ توبه و ۶ طلاق، به نفقه اشاره نموده‌اند

فقر و مشکلات مالی، عدم توافق اخلاقی و ناسازگاری‌های جنسی، عدم علاقه، دخالت اطرافیان به خصوص خانواده‌ها، سوءظن، عدم تمکین، عدم پایبندی به مذهب، اعتیاد، زیاده‌طلبی و فزون خواهی، ناآگاهی و بی‌سوادی، سن کم، تفاوت فرهنگی، ازدواج مجدد و بیکاری از مهم‌ترین علل طلاق می‌باشد. طلاق پیامدها و عواقب سوء فراوانی دارد که از آن جمله می‌توان بزهکاری کودکان و نوجوانان، فحشا، اعتیاد، فرار و ولگردی کودکان، افت تحصیلی، خودکشی زن یا شوهر و حتی کودکان، کاهش به میل ازدواج در اطرافیان به خصوص بچه‌های طلاق، افسردگی، مشکلات شخصیتی و سایر بیماری‌های روانی را نام برد. از حوادث بسیار ناگوار و ناخوشایند زندگی خانوادگی، طلاق یا جدایی زن و شوهر از یکدیگر است، به حدی که نزد خداوند از منفورترین حلال‌ها شمرده شده است. طلاق عوارض نامطلوبی را برای همه اعضای خانواده دارد و حتی به تاثیرات منفی آن بر جامعه می‌توان اشاره کرد.

به همین دلیل باید آن را در زمره مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده فرد و جامعه قلمداد کرد و در بهبود آن سعی و تلاشی مضاعف در پیش گرفت. از مهم‌ترین راهکارهای جلوگیری از این معضل اقدامات قبل از همسرگزینی است که اگر به شیوه‌ای مناسب صورت پذیرد درصد بالایی از میزان طلاق در جامعه کاسته می‌شود. البته صرف این مسئله کفایت نمی‌کند و آموزش‌های بعد از ازدواج را نباید نادیده گرفت. در بحثی که فقها زیر موضوع مقدار نفقه مطرح کرده‌اند، دو بحث مورد بررسی قرار گرفته است: گستره نفقه و اندازه نفقه. در بخش گستره نفقه، دیدگاه‌های فقهای از قَلت و محدودیت، به کثرت و تنوع می‌گراید و با ارائه معیار (آنچه زن برای زندگی به آن احتیاج دارد) به کمال می‌رسد. شیخ محمدحسن نجفی در جواهرالکلام نیز استثنائات، همچون: هزینه مداوا را که فقهای پیشین مطرح کرده‌اند، نمی‌پذیرد. در بخش اندازه و مقدار نفقه سه دیدگاه در میان فقها وجود دارد:

۱) آنچه در جامعه معروف و متعارف است،

۲) آنچه با توانایی مالی مرد تناسب دارد،

۳) آنچه متناسب با شأن و منزلت اجتماعی زن است. از آن جا که مکلف نمودن مرد به آنچه توانایی آن را ندارد، صحیح نیست و خداوند انسان‌ها را جز به آنچه به آنها داده و جز به حدّ توانایی شان تکلیف نمی‌کند، بنابراین، آنچه می‌تواند معیار باشد، توانایی مالی مرد است. در نهایت، در صورت توانایی و مکنّت مالی مرد، آنچه تعیین‌کننده خواهد بود، شأن و منزلت اجتماعی زن است. این عامل (شأن زن) یکی از عوامل تعیین‌کننده اقتصاد و میانه روی و (قوام) و (معروف) به شمار می‌رود و انفاق را از حدّ اسراف و اقتدار (سختگیری) خارج می‌سازد. توسعه و گشایش ایجاد کردن برای خانواده، در صورت مکنّت مالی مرد، حقی زاید بر شأن زن را اثبات می‌کند، در حالی که به حدّ اسراف و تبذیر نیز نمی‌رسد. این که اندازه نفقه، بر حسب توانایی مالی مرد و شأن زن است، در بخش گستره نفقه نیز صادق و جاری می‌نماید و در تعیین انواع نفقه نیز تأثیر می‌گذارد.

روابط مالی زوجین در حقوق ایران

ترتیب اموال زوجین در حقوق ایران از زمان تدوین قانونی مدنی در سال ۱۳۰۷، از یک ثبات نسبی برخوردار بوده است. ریشه مذهبی و الهی قواعد حاکم به عنوان بستری عدالت گستر در روابط بین زن و شوهر را باید علت این اثبات دانست، همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: «لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» حقوقی که برای زنان مقرر شده برابر با تکالیفی است که بر عهده وی گذاشته شده است. فلسفه این امر بسیار روشن می‌باشد، زیرا اسلام به جای تشابه‌سازی به «اصل عدالت» توجه نموده است، «اصل عدل یکی از ارکان کلام و فقه اسلامی، همان اصلی است که قانون تطابق عقل و شرع را در اسلام به وجود آورده است. علما اسلام علاوه بر پایه‌گذاری قوانین اسلامی بر اساس عدالت، بر این باورند که زوجین اجازه ندارند توافقی نمایند که منجر به بی‌عدالتی شود (مطهری، ۱۳۵۵).

روابط و اشتراک مالی زوجین در ایران و غرب

در مورد استقلال مالی زن از شوهر در حقوق ایران جای هیچ ابهامی نیست. اما این سوال می‌تواند، مطرح شود که آیا توافق زوجین امکان اشتراک مالی آن‌ها را فراهم می‌آورد؟ چنان‌که «شرط انتقال یا نصف دارائی» مصوبه شورای عالی قضایی مندرج در قباله نکاح، چنین شائبه‌ای را به ذهن می‌رساند و برخی از حقوقدانان آن را با عنوان «شرط اشتراک در دارائی» مطرح نمودند (کاتوزیان، ۱۳۷۸).

حتی اگر به دلایل اشکالاتی که در این شرط مطرح است آن را نپذیرفته؛ یا مدعی شده که قواعد حاکم بر روابط زوجین از قوانین امری است و تفسیر آن با توافق طرفین در نکاح دائم ممکن نیست، می‌توان این سوال را در نکاح منقطع مطرح نمود. زیرا در نکاح منقطع طرفین است که در روابط مالی زوجین، به غیر از مهر اعم از ارث، نفقه و... نقش ایفا می‌کند.

در حقوق ایران به منظور استحکام نظام جامعه و حتی محیط پیرامون آن خصوصاً نهاد مقدس خانواده، حقوق و وظایفی متوجه افراد شده است. از جمله این حقوق، حقوق مالی است که افراد جامعه خصوصاً اعضای یک خانواده نسبت به یکدیگر دارند و افراد تحت شرایطی مکلف به پرداخت آن هستند و صراحت آیات و روایات به این مطلب دلالت می‌کند. نفقه زوجه یک تکلیف مالی است که همه فقهای اسلامی و حقوقدانان ایران در اص نفقه اتفاق نظر دارند و یکی از ب‌رگ‌ترین و مهم‌ترین امتیازات زوجه بوده و در قبال انجا وظایف شرعی و قانونی زوجه بعد از نکاح است که زوجه متعهد به پرداخت آن می‌شود و البته عد پرداخت آن نی یکی از عوام مؤثر در فروپاشی کانون خانواده محسوب می‌گردد.

در حقوق ایران تکلیف پرداخت نفقه یک تکلیف یک جانبه محسوب می‌شود و تنها زوجه مکلف به پرداخت نفقه به زوجه می‌باشد، در حالی که در حقوق فرانسه وضعیت نفقه به گونه دیگری می‌باشد و یک تکلیف دوجانبه است. طب موازین حقوقی ایران، چنانچه زوجه از پرداخت نفقه زوجه استنکا ورزد، حاکم وی را مجبور به پرداخت نفقه می‌کند و یا از اموال وی نفقه زوجه و فرزندان را تممین مینماید و عد پرداخت نفقه تحت شرایطی می‌تواند باعث ایجاد طلاق برای زوجه شود. در حقوق ایران زوجه ابتدا مل به پرداخت نفقه زوجه بوده و پا از آن در صورت وجود مازاد، موظف به پرداخت نفقه اقارب می‌باشد و نفقه زوجه عقد بر نفقه اقاله است.

به نظر می‌رسد در میزان و مقدار نفقه باید موقعیت و وضع مالی شوهر مورد نظر باشد، زیرا زوجین پس از نکاح یک خانواده را تشکی می‌دهند و جدای از هم نیستند. بنابراین اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدواج کند طلاق به معنی رها شدن و فسخ کردن عقد نکاح بوده و پدیده‌ای قراردادی است که به زن و مرد امکان می‌دهد تحت شرایطی پیوند زناشویی خود را گسیخته و از یکدیگر جدا شوند.

*روابط مایلی و غیرمالی زن و شوهر در حقوق اسلام بر پایه عدل استوار است. در روابط مالی زوجین، زن از استقلال کامل در مالکیت و تصرف اموال خود برخوردار است در روابط غیرمالی نیز ریاست خانواده به خاطر مصالح اجتماعی و مسائل روحی و طبیعی به شوهر واگذار گردیده است. اما هرگز این ریاست جنبه استبدادی ندارد بلکه یک ریاست اداری حکیمانه است و اطاعت زن از شوهر و لزوم کسب اجازه برای خروج زن از منزل به همین جهت است و در سایر موارد، مانند رسیدگی به امور شخصی مرد، زن ملزم به اطاعت نیست.

*مهم‌ترین حقوق مالی زوجین مربوط به پنج مقوله مهریه، نفقه، اجرةالمثل، حقوق وظیفه و مستمری و ارثیه می‌باشد. و زوجین با توجه به تفاوت‌های جنسیتی، از حقوق مالی مختلفی برخوردار هستند. استطاعت مالی زوجه نیز وی را از این حقوق محروم نمی‌نماید: مهریه اولین حق و تکلیف مالی بین زوجین است که: اولاً این تنها مرد است که ملزم به پرداخت مهریه به زن خود می‌باشد. ثانیاً هر چند ازدواج دائم، بدون مهر باطل نیست لیکن زن دارای انواع مهریه (مهرالمسمی، مهرالمثل، مهرالمتعہ، و مهرالسنة) می‌باشد و اغلب زن در هیچ موردی بدون مهریه نمی‌باشد. لیکن در نکاح منقطع، مهریه جزء ارکان عقد بوده و نکاح بدون آن اساساً باطل است، به همین جهت نکاح مفوضه‌المهر و نیز نکاح مفوضه‌البضع در آن راه ندارد، هر چند که جنبه اصلی و عمومی نکاح که مقتضای ذات عقد است جنبه انسانی داشته و مهریه در آن جنبه فرعی و خصوصی دارد.

نفقه دومین حق و تکلیف مالی بین زوجین است که باز همانند مهریه با توجه به شناخت صحیح و کامل نظام حقوقی اسلام از ماهیت زن، در ازدواج دائم اولاً- این مرد است که به محض انعقاد عقد نکاح باید به همسر خود نفقه متناسب را بپردازد. ثانیاً- در ازدواج دائم نفقه قابل اسقاط صلح و شرط نبوده و حتی جزء طلب‌های ممتاز به حساب می‌آید. ثالثاً- وجوب نفقه مشروط به استطاعت مالی مرد و یا عدم تمکن مالی زن نمی‌باشد، هر چند مشروط به تمکین زن می‌باشد. رابعاً- استنکاف شوهر از دادن نفقه دارای ضمانت اجرای حقوقی و کیفری است هر چند ضمانت اجرای کیفری آن منطوق به استطاعت مالی مرد و تمکین زن است. خامساً- زن در زمان عده وفات و عده طلاق رجعی و نیز زن حامله در طلاق بائن و فسخ نکاح دارای نفقه است. اجرةالمثل و نحله سومین حق و تکلیف مالی بین زوجین که مبتنی بر قاعده نفی ضرر و تسبیب است، اجرةالمثل و حق‌الزحمه کارهایی را که شرعاً بر عهده وی نبوده و به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده است از مرد بستاند. ارثیه نیز حق مالی بین زوجین است که اختصاص به زن نداشته بلکه هر یک از زوجین که بمیرد دیگری از او ارث می‌برد لیکن میزان سهم‌الارث آن دو از یکدیگر متفاوت است.

نکته حائز اهمیت در باب ارث این است که اغلب قواعد آن جزء قواعد امری بوده و توافق طرفین برخلاف آن باطل است و هرگونه دخل و تصرف در آن ممنوع است.

*در قانون مدنی فرانسه تعهد به انفاق امری دو طرفه است و یکی از تعهدات چهارگانه‌ای که زوجین هنگام عقد ازدواج به عنوان وظایف همسری بر عهده می‌گیرند. در کشور فرانسه در رژیم مالی اشتراک‌داری در هنگام طلاق داری کسب شده در طول دوره‌ی ازدواج بین دو طرف تقسیم می‌گردد؛ در حالی که در کشور ایران داری زن در هنگام طلاق استقلال خود را حفظ می‌کند و این داری مکتسب مرد است. در مورد اجرت‌المثل کارهای زن در منزل در حقوق فرانسه رویه قضایی این کشور اجرت‌المثل فعالیت‌های خانه داری زن را در رژیم‌های افتراق اموال نادیده نگرفته است. همچنین در مورد نخله در حقوق فرانسه مقرراتی به چشم نمی‌خورد. در مورد پرداخت غرامت جبران خسارت به طرف بدون تقصیر حقوق فرانسه مقررات جامعی دارد.

*تنوع و پیچیدگی رژیم‌های حاکم بر اموال در حقوق فرانسه و آزادی زوجین در خلق رژیم جدید اگرچه در ظاهر مثبت می‌نماید ولی در واقع، زوج‌های فرانسوی را دچار تحیر و سردرگمی کرده و با دخالت دیگر عناصر اجتماعی و فردی، آن‌ها را از انتخاب رژیمی که بهتر بتواند منافعشان را برآورده سازد، عاجز نموده است.

بیشتر زوج‌های فرانسوی برای فرار از این همه پیچیدگی و دغدغه‌ها و آشوب‌های فکری بدون انعقاد قرارداد مالی ازدواج کرده و ناخودآگاه خود را تحت رژیم پیچیده قانونی اشتراک قرار می‌دهند، بدون این که بتوانند در مناسب بودن آن ارزیابی درستی داشته باشند. یکی از نکات مثبت مورد ادعای حقوقدانان فرانسوی در خصوص رژیم قانونی جدید اشتراک، امکان اداره مشترک اموال توسط زوجین می‌باشد. اما این امکان زمانی محقق می‌شود که زوجین در این مورد با هم توافق کرده باشند؛ در غیر این صورت اداره اموال با مرد خواهد بود. در غالب موارد زوج‌های فرانسوی بدون انعقاد قرارداد مالی ازدواج می‌کنند که این امر در عمل چنین توافقی را منتفی می‌سازد و هنوز این مردها هستند که برتری ناروای خود و سیطره بر اموال زن را برای خویش حفظ کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

در حقوق آمریکا در نظام مالی ازدواج سعی در برقراری تساوی بین زن و مرد در انجام حقوق و تکالیفشان دارند به گونه‌ای که هیچ یک از زوجین بعد از ازدواج بر دیگری برتری نداشته است و در برابر هم حقوق و وظایف یکسانی دارند و از نظر مالی هیچکدام نسبت به دیگری هیچ‌گونه تکالیف مالی ندارد بلکه هر دو در تأمین هزینه‌های زندگی مشترک مسئول هستند.

تعهدات مالی آن‌ها زمانی کارایی دارد که طرفین تصمیم به جدایی و طلاق بگیرند در این زمان است که در برابر هم دارای تکالیف مالی می‌شوند؛ مانند تقسیم اموال مشترک که در طول مدت زندگی مشترک به دست آورده‌اند و پرداخت نفقه. به‌طور کلی می‌توان گفت که در طول مدت زندگی مشترک قانون هیچ گونه حمایت اختصاصی مالی از زن و مرد نمی‌کند بلکه ازدواج را یک مشارکت اقتصادی می‌داند که طرف در آن حقوق و وظایف برابر و یکسانی دارند.

اما از این نکته نباید غافل شد با این که در حقوق ما همانند حقوق آمریکا زن و مرد در انجام حقوق و تعهداتشان برابر و یکسان نیستند و برخی از تکالیف مالی که زوجه در حقوق آمریکا دارد را در حقوق ایران

به دلیل مخالفت با قانون و نظم عمومی نمی‌توان در نظر گرفت مانند پرداخت نفقه از جانب زوجه. اما در بسیاری از جهات تکلیفی را که زوجه در حقوق امریکا در برابر زوج دارد در حقوق ایران نیز زن ممکن است در برابر مرد داشته باشد و از این جهت با هم تشابه دارند. مانند پرداخت هزینه‌های مشترک زندگی از جانب زوجه، شروط مالی که ممکن است در ضمن عقد نکاح به نفع زوج بشود و... و همچنین در حقوق ایران نهادی به نام مهریه وجود دارد که در حقوق غربی چنین نهاد وجود ندارد. و زوجه در شرایط مختلفی ممکن است مکلف به برگرداندن تمام یا قسمتی از مهریه به مرد شود.

همچنین به نظر می‌رسد که قانون‌گذار باید در بحث استرداد مهریه از زوجه از جانب زوج بیشتر توجه کند و آن را در شمار تکالیف مالی زوجه در مقابل زوج در زمان بعد از زوال زوجیت قرار دهد زیرا در زمانی که قبل از نزدیکی، مهریه از جانب زوجه به زوج ابراء می‌شود و یا این که قبل از نزدیکی، زوج مهریه را به زوج هبه می‌کند و طلاق صورت بگیرد زوج مکلف به پرداخت نیمی از مهریه به زوج است در حالی که هیچ چیزی دریافت نکرده است یا اگر نکاح قبل از نزدیکی فسخ شود زن اگر مهریه‌ای دریافت کرده است مکلف به استرداد نیمی از آن به زوج است یا در صورتی که کشف شود نکاح از ابتدا باطل بوده است باز هم زن را مستحق دریافت مالی نمی‌داند بلکه اگر چیزی به‌عنوان مهر دریافت کرده است باید آن را به زوج مسترد دارد. و در تمام این موارد در صورتی که مهر در دست او تلف یا ناقص شود در برابر زوج مسئول است.

یکی از تکالیفی که در حقوق امریکا وجود دارد تقسیم اموال مشترکی است که زوجین در طول مدت ازدواج به دست می‌آورند. به نظر می‌رسد اگر چنین سیستمی نیز در قانون حقوق خانواده ایران وجود داشته باشد بهتر است هر چند که در کشور ما بیشترین اموالی که در طول زندگی مشترک بدست می‌آید متعلق به مرد است و با اجرایی شدن چنین قانونی به ضرر مردان تمام می‌شود. ولی به نظر منصفانه‌تر است. زیرا یک سو زمانی که وقت خود را در خانه برای رسیدگی به امور منزل و تربیت فرزندان می‌گذارند و از ادامه تحصیل و اشتغال باز می‌مانند، و با این کار باعث می‌شوند مرد با آسودگی خاطر در بیرون از منزل به کسب درآمد بپردازد منصفانه است که بخشی از این اموال به زنان که در به دست آمدن این اموال نقش داشته اند تعلق بگیرد و چه بسا زنان نیز در طول مدت زندگی مشترک اموالی را بدست می‌آورند و از سوی دیگر گاهی ممکن است زنان با ترندهایی در طول مدت زندگی مشترک اموال مرد را به نام خود کنند و در صورت طلاق مرد علاوه بر از دست دادن تمام دارایی‌اش، مهریه زن را نیز باید پرداخت کند.

هر چند که نهادی تحت عنوان شرط تصنیف دارایی در قانون ما وجود دارد اما بیشتر به نفع زنان است آن هم تحت شرایطی نیمی از اموال مرد به زن تعلق می‌گیرد. به نظر می‌رسد بهتر است شرط تصنیف دارایی را که در قباله‌های نکاح آمده است به صورت یک ماده قانونی تصویب شود به این صورت که: اموالی که زوجین در طول مدت زندگی مشترک بدست آورده‌اند به جز اموالی که از طریق هدیه و ارث کسب کرده اند در صورت طلاق به طور مساوی بین آن‌ها تقسیم شود.

با بررسی‌های به عمل آمده در این پایان‌نامه، به نظر می‌رسد حقوق ایران در قوانین خود سعی کرده با پیش‌بینی منابع مالی متعدد، حقوق مالی زوجه را در زندگی مشترک به نحوی تضمین نماید. تأمین نیازهای مالی زن از طریق شوهر، حتی در صورتی که شاغل نیز باشد نکته قابل توجه‌ای است که قانون‌گذار با تکیه بر این اصل، سعی داشته تا با فراهم آوردن زمینه‌های آرامش، وی را قادر سازد بدون داشتن دغدغه‌ای به امور داخلی منزل و تربیت فرزندان همت گمارد.

در حقوق انگلستان به نظر می‌رسد جامعه مدنی انگلستان سعی در برقراری تساوی بین زن و مرد در نظام مالی ازدواج داشته است. به طوری که بعد از ازدواج هیچ کدام از زوجین بر دیگری ریاست یا تفوق و برتری نداشته و به نسبت، وظایف و اختیارات یکسان و برابری دارند. از جهت مالی نیز هیچ یک نسبت به دیگری تکلیفی نداشته و زن در صورت عدم اشتغال حق درخواست نفقه از شوهر را ندارد.

از نظر قانون انگلستان از زمان ایجاد زندگی مشترک هیچ یک از طرفین نسبت به یکدیگر تکلیفی در خصوص تقسیم کار ندارند. بدین جهت در صورت اختلاف زوجین، قانون در مبحث مشارکت‌های اقتصادی بین زوجین، از کارایی و تأثیرگذاری برخوردار نیست.

تمهیدات قانون در انگلستان تنها زمانی کارآمد است که طرفین تصمیم به جدایی و طلاق داشته باشند. زیرا عملاً در حالت عادی در زمان زندگی مشترک قانون هیچ گونه حمایتی از زن نمی‌کند. بلکه حتی در مواردی از جمله بی‌کاری، که مرد تمکن مالی خود را از دست می‌دهد، زن را (در صورت تمکن مالی) ملزم به تأمین مالی مخارج زوج و فرزندان می‌نماید. هر چند درآمدهای حاصل از اشتغال هر یک از زوجین در حقوق انگلیس مستقل می‌باشد لکن در عمل و قانوناً زوجین در برابر هزینه‌های مشترک زندگی مسئول هستند.

وضعیت مالی زنان در ایران مورد حمایت فقه امامیه و قانون جمهوری اسلامی ایران بوده و زندگی مشترک، مبتنی بر نگرش اسلامی است. در مقام مقایسه میان دو نظام، قانون انگلیس که مبتنی بر تساوی زن و مرد است، وجود و ارزش زن را به عنوان موجودی که آرامش و تجلی بخش روحی و روانی و اساس و بنیان زندگی مشترک است، نادیده گرفته است. همچنین به وجود وی را به عنوان معلم کودکی که در آینده به عنوان سرمایه نظام تلقی می‌گردد، توجهی ندارد.

بنابراین شمول حقوقی انگلستان در خصوص زوجین در عرصه‌های اقتصادی، بدون توجه به تفاوت‌های فطری، روحی، روانی و جسمی زن و مرد، یکسان است. این امر نه تنها منجر به حمایت اقتصادی آنان نمی‌گردد، بلکه وضعیت معیشت آنان را نیز بهبود نمی‌بخشد.

در حقوق ایران ارزش وجودی زن تحت عنوان مادر و همسر مورد توجه قرار گرفته است و سعی شده است که زنان در موقعیتی آرام و بدون فشارهای مالی بتوانند رسالت اصلی و بزرگ خود را یعنی تربیت فرزند و برقراری امنیت و آرامش برای زوج و بنیان خانواده ایفا نمایند.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش یکسانی داشتند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از همه کسانی که در این پژوهش همکاری کردند اساتید عزیز و مشارکت‌کنندگان گرامی تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

تعارض منافع

لازم به ذکر است نویسندگان هیچگونه تعارض منافی ندارند.

منابع

- دیانی، عبدالرسول، (۱۳۸۷). حقوق خانواده، تهران، چاپ اول.
- کاتوزیان، دکتر ناصر، (۱۳۸۲). حقوق مدنی خانواده، جلد اول، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). مختصر حقوق خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گرچی، مصطفی و حسینعلی قبادی. (۱۳۸۶). تحلیل داستان پادشاه و کنیزک بر مبنای شیوه تداوی آزاد و گفتگوی سقراطی، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ۱۷۷-۱۹۲.
- محسنی، الهه؛ (۱۳۹۵). اشخاص و خانواده در قانون مدنی فرانسه، تهران، خرسندی، چاپ اول.
- مصدق صدقی، صدیق (۱۳۸۳). نفقه‌ی زوجه در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه، (۹-۱۰). ۱۱۵-۱۳۶.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۵). حقوق زن در اسلام. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مقالات:
- مقصودی، مراد، (۱۳۹۱). حق الزحمه خانه‌داری زنان، تهران، خرسندی، چاپ اول.
- یار ارشدی، علی، (۱۳۷۹). نفقه زوجه در حقوق ایران، انگلیس و هند، تهران، بوستان توحید، چاپ اول.
- یوسف‌زاده، حسن، (۱۳۸۸). پایش جامعه شناختی مهریه، مجله کتاب زنان، (۲۷).

References

- Diani, A. (2008). Family law. Tehran: First edition.
- Gorji, M., & Gobadi, H. (2007). Analyzing the story of the king and the concubine based on the method of free association and Socratic dialogue. Journal of Literature and Humanities, 58(183), 177-192.
- Katouzian, N. (1999). A brief on family law. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar.
- Katouzian, N. (2003). Civil law of family, volume 1, 6th edition. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar.
- Maghsoudi, M. (2012). Women's housekeeping compensation rights. Tehran: Khorsandi.
- Mohseni, E. (2016). Individuals and family in French civil law. Tehran: Khorsandi.
- Mosaddegh Sadeghi, S. (2004). Wife's alimony in Imami jurisprudence, Iranian and French law. Law Journal of Iran and France, (9-10), 115-136.
- Motahari, M. (1976). Women's rights in Islam. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar.
- Yar Ashrafi, A. (2000). Wife's alimony in Iranian, English and Indian law. Tehran: Boostan Towhid.
- Yousefzadeh, H. (2009). Sociological monitoring of dowry. Women's Book Journal, (27).

Comparison and implementation of dowry and alimony for women in Islamic and Western legal systems

Neda. Moghbeli nasab¹, Mohammadali. Cafa^{2*}, Rohollah. Afzali³

Abstract

Aim: The aim of this research was to compare and contrast the dowry and alimony of women in the Islamic and Western legal systems. **Method:** This study was conducted in a descriptive-analytical manner using library sources. Texts in the form of books and articles in Persian and English as well as newspapers were used in this way. In addition, reputable internet search engines such as Google and Yahoo were used in the development of this research. **Results:** In this study, the financial rights of husband and wife towards each other, financial independence of couples, and laws related to dowry and alimony were examined in Islam and the West. **Conclusion:** The Islamic legal system, according to the five schools of jurisprudence, has special financial privileges for the wife, which is almost unique compared to Western legal systems. One of these privileges is "dowry." Dowry is a mandatory gift that belongs to the wife and although it is not a condition for the validity of marriage, it becomes the responsibility of the husband as soon as the marriage contract is concluded, at least to the amount of the mahr al-mithl. Dowry is one of the financial rights of women in the Islamic family legal system. The judicial system of England and Wales is one of the most famous judicial systems in resolving divorce cases and observing equal rights for men and women, to the extent that London is called the divorce capital of the world. In the courts of this country, the man is considered as the main pillar of the family, but in case of divorce, the assets of both parties, and even their future retirement rights, will be examined and based on these examinations, excess assets beyond the needs of each party will be identified and divided equally between the wife and husband. This process is similar in most European and American countries, although structural differences in the law and judicial system of each country may lead to changes in the implementation of court orders.

Keywords: Comparison and contrast, dowry, alimony, Islamic legal system, West.

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Law, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran

2. *Corresponding author: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran

Email: dr.mohammad.cafa@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran